



A Critical Analysis of James Bellamy's Viewpoint Regarding the Qira't of the Word "Ummah"



Nafise Amiri Domari ^۱

Abstract

The subject of this article is the criticism of James Bellamy's viewpoint regarding the word "Ummah" in two verses of Surah Hud and ٤٥ of Surah Yusuf. By criticizing the text, he changed, modified and corrected the words of the Quran. Citing some evidence, James Bellamy has claimed that the word "Ummah" in these two verses is a mistake and has replaced the word "Ummad" which, according to his claim, has a lot of similarities with each other and is more compatible with the context of the verse. The reasons cited by him to prove this claim are the explanation of the meaning of "Hin" and "Muddat" by commentators in verse ٨ of Surah Hud and the existence of a difference in reading between commentators in verse ٤٥ of Surah Yusuf. These claims and their evidence were analyzed and criticized by the phenomenological method and using interpretive and lexical sources. Criticisms were explained in detail in three sections, linguistic review, textual suitability review, and review of similar cases. The results of these three investigations showed that no change or spelling was missing in this word that needed to be corrected, and James Bellamy's studies in the field of criticizing and correcting the words of the Quran are the result of damages such as the influence of the presuppositions of the Bible, incomplete understanding of the characteristics of the Quran, incomplete search and lack of mastery of Quran and Arabic literature that have led to tasteful comments and far from scientific evidence and reasons in correcting some words.

Keywords: James Bellamy, Ummah, Criticism of the Quranic Text, Correction of the Words of the Quran.

*. **Date of receiving:** January ۱۰, ۲۰۲۲; **Date of correction:** February ۲۷, ۲۰۲۲; **Date of approval:** May ۲۶, ۲۰۲۲.

^۱. Assistant Professor and Faculty Member, Al-Mustafa International University; (nafise.amiri@yahoo.com)



تحلیل انتقادی دیدگاه جیمز بلمی در ارتباط با قرائت واژه «أمة»*

نفیسه امیری دوماری^۱



چکیده

موضوع مقاله حاضر، نقد دیدگاه جیمز بلمی در ارتباط با لفظ «أمة» در دو آیه ۸ سوره هود و ۴۵ سوره یوسف است. وی با شیوه نقد متن، به تغییر، اصلاح و تصحیف واژگانی از قرآن اقدام کرده است. جیمز بلمی با استناد به ادله‌ای، خطا بودن لفظ «أمة» در این دو آیه را مدعی شده است و کلمه «أمد» را جایگزین کرده است که به ادعای خودش، تشابه ظاهری زیادی با یکدیگر دارند و با سیاق آیه سازگارتر است. دلایل مورد استناد وی در اثبات این ادعا، بیان معنای «حین» و «مدت» توسط مفسران در آیه ۸ سوره هود و وجود اختلاف قرائت میان مفسران در آیه ۴۵ سوره یوسف است. این ادعا و ادله آن با روش پدیدارشناسانه و با استفاده از منابع تفسیری و لغوی مورد تحلیل و نقد واقع شد. موارد نقد در سه بخش، بررسی زبان شناختی، بررسی تناسبات و بررسی موارد مشابه به تفصیل بیان شدند. نتایج این بررسی‌های سه‌گانه نشان داد هیچ‌گونه تغییر و تصحیفی در این واژه اتفاق نیفتاده است که نیاز به اصلاح آن باشد و مطالعات جیمز بلمی در زمینه نقد و اصلاح واژگان قرآن، نتیجه آسیب‌هایی همچون تأثیر پیش فرض‌های کتاب مقدس، درک ناقص از ویژگی‌های قرآن، جستجوی ناقص، عدم تسلط به ادبیات قرآن و عرب است که منجر به اظهار نظرهای ذوقی و به دور از شواهد و دلایل علمی در تصحیح برخی واژگان شده است.

واژگان کلیدی: جیمز بلمی، أمة، نقد متن قرآن، اصلاح واژگان قرآن.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمية، قم، ایران

(nafise.amiri@yahoo.com)



۱. بیان مسئله

موضوع نقد متن و اصلاح واژگان و فرازهای قرآن که با پیش فرض وقوع خطا در مصحف عثمانی طرح شده، چندی است مورد امعان نظر مستشرقان قرار گرفته است؛ از جمله جیمز بلمی (James Bellamy^{۲۰۱۵} م) نویسنده مقاله «نقد متن قرآن» (Textual Criticism of the Quran) در دایرة المعارف قرآن لیدن که با همین پیش فرض تلاش کرده به بازخوانی الفاظ و عباراتی از قرآن بپردازد. تعدد تحقیقات جیمز بلمی درباره اصلاح واژگان قرآن، وی را به عنوان یکی از مستشرقان صاحب نظر در این حوزه مطرح کرده است. او در این مقالات به تغییر واژگان زیادی از قرآن پرداخته است. برخی مقالات وی در زمینه نقد متن عبارتند از: نقد متنی قرآن (Textual Criticism of the Quran, Encyclopaedia of Fa-Ummuhu Hawiyah a)، فأمه هاویه (the Quran, ۲۰۰۶, Brill, Leiden- Boston, V۵, pp ۲۳۸-۲۵۲)، الرقیم یا الرقود (Al-Raqim or ar-Ruqud? A note on surah ۱۸:۹, Journal of American Oriental Society, ۱۱۲ iii (۱۹۹۲) pp. ۴۸۵-۸۷)، Some proposed emendations to the text of the Quran (۱۹۹۱)، برخی اصلاحات پیشنهادی در متن قرآن (pp. ۱۱۵-۱۱۷)، More proposed emendations to the text of the Quran (۱۹۹۳)، اصلاحات پیشنهادی دیگری در متن قرآن (pp. ۵۶۲-۵۷۳)، American Oriental Society, ۱۱۶ iii (۱۹۹۶) pp. ۱۹۶-۲۰۴.

جیمز بلمی مدعی است در زمان کتابت قرآن، اشتباهاتی در متن قرآن توسط مستنسخان اولیه پدید آمده است. وی با این پیش فرض در مقالاتش کوشیده است برای واژگانی که آن‌ها را خطا می‌داند، واژگانی دیگر را به عنوان جایگزین پیشنهاد کند و شواهدی را نیز در تأیید پیشنهادات خود عرضه دارد. او معمولاً برای تأیید مدعای خود سراغ واژگانی می‌رود که درباره معنای آن اختلافاتی میان مفسران وجود دارد یا تکامدند و به اعتقاد وی همین موارد آن واژگان را مبهم کرده و این ابهام بر اثر خطای در کتابت پدید آمده است و اگر آن کلمات را اصلاح کنیم، ابهام آنها از بین خواهد رفت.

در زمینه ادعای جیمز بلمی درباره وقوع خطا در مورد لفظ «أمة»، پرسش اصلی در مقاله حاضر این است که آیا در قرآن، در زمینه این لفظ خطای نگارشی صورت گرفته است یا نه؟ در این مقاله، نخست مدعای جیمز بلمی در مورد واژه «أمة» که در مقاله «چند اصلاح پیشنهادی در متن قرآن» آمده است، توضیح داده و سپس به نقد و تحلیل علمی آن پرداخته می‌شود.

۲. پیشینه

درباره پیشینه این پژوهش گفتنی است، محققانی به صورت جزئی و موردی برخی از اصلاحات نقد متنی انجام شده از سوی مستشرقان از جمله جیمز بلمی را مورد تحلیل و نقد قرار داده‌اند. بهنام صادقی در مقاله‌ای با عنوان «معیارهایی در اصلاح متن قرآن»، پس از بیان معیارهایی برای نقد متن قرآن، به نقد مقاله دوفین استوارت و دو مورد از اصلاحات وی می‌پردازد. محمدجواد اسکندرلو و محمد مقداد امیری در مقاله «بررسی الرقیم و الرقود» به نقد جیمز بلمی در اصلاح واژه الرقیم پرداخته‌اند. عبدالهادی فقهی‌زاده و حسام امامی نیز در مقاله «مسجّل، پیشنهادی ناصحیح و غیر عالمانه» اصلاح واژه مسجّل توسط جیمز بلمی را به بوته نقد کشیده‌اند. بابک فرزانه نیز همچون دو مورد پیشین در مقاله‌اش با عنوان «حصب جهنم: بررسی معنا شناختی واژه حصب در قرآن» به نقد جیمز بلمی پرداخته است و مقاله «تحلیل انتقادی اصلاح واژه «أب» در قرآن به قلم مولف مقاله حاضر به رشته تحریر در آمده است. چنان‌که ملاحظه شد واژگانی از موارد خطای ادعایی جیمز بلمی در مقالاتی مورد بررسی و نقد واقع شده‌اند و نظر به اینکه این ادعا، منجر به پذیرش ادعای تحریف قرآن می‌شود، نقد و تحلیل علمی دیگر واژگان به صورت جزئی و موردی، ضرورت دارد.

۳. تبیین نظریه جیمز بلمی در وقوع اشتباه نگارشی در واژه ی «أُمَّة»

از جمله واژگان قرآنی که جیمز بلمی قائل به اشتباه بودن آن است، کلمه «أُمَّة» به معنای «مَدّت» در آیات زیر است:

Π - وَ قَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَ اذْكُرْ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ (یوسف/ ۴۵)؛ «و آن کس از آن دو [زندانی] که نجات یافته و پس از چندی [یوسف را] به خاطر آورده بود گفت: مرا به [زندانی] بفرستید تا شما را از تعبیر آن خبر دهم.»

Π - وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَخْبِسُهُ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (هود/ ۸)؛ «و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تأخیر افکنیم، حتماً خواهند گفت: چه چیز آن را باز می‌دارد؟ آگاه باش، روزی که [عذاب] به آنان برسد از ایشان بازگشتی نیست، و آن‌چه را که مسخره می‌کردند آنان را فرو خواهد گرفت.»

جیمز بلمی اختلاف نظر مفسران در قرائت و معنای این واژه و نیز گویشی بودن آن را دلیلی بر اشتباه بودن آن دانسته است و می‌نویسد:



«مفسران در معنای أمة در آیه ۸ سوره هود، متفقاً معنای «مدّت»، «زمان» یا «حین» را مطرح کرده‌اند؛ اما در مورد آیه ۴۵ سوره یوسف با اختلاف نظر زیادی از سوی مفسران مواجه هستیم؛ علاوه بر معنای زمان، برخی قرائت «إمة» به معنای نعمت (البته احتمال ضعیفی است)، و همچنین قرائت «أمة» به معنای «نسیان و فراموشی» را پیشنهاد داده‌اند. «أمة» در زمره واژگان گویشی است که در لهجه قبیلہ «ازد» به معنی «سال‌ها» و در قبیلہ «تمیم» به معنی «فراموشی» است» (Bellamy, "Some proposed emendations to the text of the Koran", ۱۹۹۳, ۵۶۴).

وی پس از بیان شواهد مذکور در تأیید اشتباه بودن این واژه، بیان می‌دارد که معنای مورد نظر مفسران در این آیات، «زمان» است. به عقیده او، با اصلاح ساده «هاء» به «دال» واژه «أمد» به دست می‌آید که این معنا را به خوبی افاده می‌کند. سپس در بیان چگونگی تبدیل این واژه می‌نویسد: «به علت پنخ شدن جوهر اضافی قلم یا کشیده شدن دست نسخه‌بردار به سمت بالا و راست بعد از اتمام نوشتن (و در نتیجه گرد شدن حرف آخر)، حرف دال به «ها» تبدیل شده است و اشتباهاً «أمة» نوشته شده است» (Bellamy, "Textual Criticism of the Quran", ۲۰۰۶, ۵/۲۴۱).

وی ادعا دارد کلمه «أمد» که برای مدّت زمان استعمال می‌شود، بیشتر با سیاق آیه تناسب دارد و به عنوان شاهد و دلیل ادعایش از آیاتی دیگر نام می‌برد که در آن‌ها با سیاق مشابه از واژه «أمد» استفاده شده است:

Π - يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ (آل عمران/۳۰)؛ «روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده، حاضر شده می‌یابد و آرزو می‌کند: کاش میان او و آن [کارهای بد] فاصله‌ای دور بود. و خداوند، شما را از [کیفر] خود می‌ترساند، و [در عین حال] خدا به بندگان [خود] مهربان است».

Π - ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا (کهف/۱۲)؛ آن‌گاه آنان را بیدار کردیم، تا بدانیم کدام‌یک از آن دو دسته، مدّت درنگشان را بهتر حساب کرده‌اند.

Π - ...وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (حدید/۱۶)؛ «آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن رسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید، و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟»

II - اَقْلُ إِنَّ أَزْرَى أَقْرَبَ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (جن/۲۵)؛ بگو: «نمی دانم آنچه را که وعده داده شده اید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی نهاده است؟»
پس از بیان ادله جیمز بلمی در اشتباه خواندن واژه اُمّه، در ذیل، تفصیلاً از طریق بررسی زبان شناختی، بررسی تناسب متنی و بررسی معناشناختی، به نقد این ادعا می پردازیم.

۴. نقد نظریه جیمز بلمی در اشتباه انگاشتن واژه «أمة»

چنانچه ملاحظه شد، جیمز بلمی در نقد متن واژه «أمة» چهار شاهد را مطرح کرده است:
الف. اتفاق نظر مفسران در بیان معنای «حین» برای واژه «أمة» در سوره هود؛ ب. وجود اختلاف نظر مفسران در معنای واژه «أمة» در سوره یوسف؛ ج. وجود اختلاف نظر در قرائت واژه «أمة» در سوره یوسف؛ د. وجود اختلاف قرائت در واژه «أمة» در سوره هود.
در ذیل با توجه به چهار شاهد جیمز بلمی به صورت مجزّا به نقد پیشنهاد جیمز بلمی در جایگزین ساختن لفظ «أمد» می پردازیم:
یک. بررسی زبان شناختی «أمة»

با توجه به اینکه وجود قرائت های مختلف در واژه «أمة» موجب ادعای جیمز بلمی درباره این واژه شده است، نخستین گام در نقد ادعای جیمز بلمی، بررسی قرائت های مختلف از واژه «أمة» و معنای هر یک از این قرائت ها در منابع لغوی و تفسیری است. موارد قرائت واژه «أمة» و معانی آن در منابع تفسیری و لغوی بدین شرح است:

۱. «أمة» به ضم همزه، تشدید میم و تاء منونه: اکثر قراء و مفسران، این واژه را در آیه ۴۵ سوره یوسف همین گونه قرائت کرده اند و معنایی که برای این قرائت ذکر کرده اند، به قرار زیر است:
الف. به معنای «حین»، اغلب مفسران این معنا را به صورت مطلق برای «أمة» ذکر کرده اند (ابوعبیده، مجاز القرآن، ۱۳۸۱ق: ۳۱۳/۱؛ ابن قتیبه، تفسیر غریب القرآن، ۱۴۱۱ ه.ق: ۱۸۷؛ فخررازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰ق: ۴۶۵؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۵ش: ۳۰۱/۱۰؛ ابن جوزی، تذکرة الأریب فی تفسیر الغریب، ۱۴۲۵ق: ۱۷۳؛ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ۱۴۰۴ق: ۲۱/۴؛ خزرجی، تفسیر الخزرجی، ۱۴۲۹ق: ۱۸۰؛ ابن جزى، التسهیل لعلوم التنزیل، ۱۴۱۶ق: ۳۸۸/۱؛ شیبانی، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، ۱۴۱۳ق: ۱۲۸/۳؛ ابن ملقن، تفسیر غریب القرآن، ۱۴۰۸ق: ۱۸۰؛ بحرانی، البرهان، ۱۴۱۵ق: ۱۷۲/۳).



البته شوکانی و قرطبی از قول ابن درستی به آورده اند که لفظ «أمة» در صورت حذف مضاف، به معنای «حین» است. (ر.ک: شوکانی، فتح القدیر، ق ۱۴۱۴: ۳/۳۸؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴ش: ۲۰۱/۹).

ب. به معنای «الحین من الدهر»: بازه زمانی از روزگار (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰م: ۲/۴۷؛ شبّر، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، ۱۴۰۷ق: ۳/۲۸۳) یا «المدّة من الدهر»: مدّتی از زمان (اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ۱۴۲۲ق: ۳/۲۴۹؛ حسنی واعظ، دقائق التأویل و حقائق التنزیل، ۱۳۸۱ش: ۲۹۱).

ج. «الوقت المقصود لإيقاع الموعود»، در تفسیر غرائب القرآن در بیان معنای «أمة» این معنا آمده است؛ یعنی زمان مورد نظر برای به وقوع پیوستن وعده (نظام الاعرج، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ۱۴۱۶: ۸/۴).

د. «مدّة طويلة» (زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۱۴۰۷ق: ۲/۳۸۱؛ رسعی، رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز، ۱۴۲۹ق: ۳/۳۵۱؛ ابوحیان، تفسیر النهر الماد من البحر المحيط، ۱۴۰۷ق: ۲/۱۲۸؛ سمن، الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون، ۱۴۱۴ق: ۴/۱۸۸؛ ابوالسعود، تفسیر ابی السعود، ۱۹۸۳م: ۴/۲۸۱؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۴۱۵ق: ۶/۴۴۲).

زمخشری در بیان معنای أمّه ذیل آیه ۴۵ سوره یوسف این گونه می نویسد: «بعد أمّة بعد مدّة طويلة، و ذلك أنه حين استفتی الملك فی رؤیاه و أعضل علی الملاء تأویلها، تذكّر الناجی یوسف و تأویلہ رؤیاه و رؤیا صاحبه، و طلبه إليه أن یذكره عند الملك؛ بعد از گذشت روزها و مدّت های مدید، هنگامی که پادشاه تعبیر رؤیایش را پرسید و تفسیر رؤیا بسیار مشکل گشت، ناجی، یوسف و تعبیرش از رؤیای او و دوستش را به خاطر آورد و همچنین درخواست یوسف را که خواسته بود در نزد پادشاه از او یاد کند، به خاطر آورد.» (زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۱۴۰۷ق: ۲/۴۷۵).

هـ. «جماعة من الأوقات»، «جماعة من الزمان مجتمعة» (شیخ زاده، حاشیه تفسیر القاضی البیضاوی، ۱۴۱۹ق: ۵/۴۱؛ خطیب شربینی، السراج المنیر، ۱۴۲۵ق: ۲/۱۲۶؛ قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۱۳۶۸ش: ۳۱۹/۶)؛ که منظور از آن مدت زمان طولانی است. و. «جماعة من الناس». اصل «أمة» به معنای «جماعة من الناس» است که بعداً بر «جماعة من الايام» اطلاق شده است (صاوی، حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین، ۱۴۲۷ق: ۲/۱۷۶).

علامه طباطبائی با استفاده از کلام راغب اصفهانی «أمة» را این گونه تعریف کرده است: این کلمه در کلامی که به کار رود به معنای جماعتی است که در آن گفتار مورد نظر است و غالباً در مورد انسان استعمال می شود و در آیه «وَاذْكُرْ بَعْدَ أُمَّةٍ» به معنای جماعتی از سال (اجتماع روزها) است (طباطبائی، المیزان، ۱۳۹۰ق: ۱۱/۲۶۵).

نیشابوری نیز «وَاذْكُرْ بَعْدَ أُمَّةٍ» را با تقدیر مضاف به معنای «بعد انقضاء أمة من الناس» ذکر کرده است (ر.ک: نیشابوری، وضح البرهان فی مشکلات القرآن، ۱۴۱۰ق: ۱/۴۵۷؛ نیشابوری، إيجاز البيان عن معانی القرآن، ۱۴۱۵ق: ۱/۴۳۷).

۲. «الإمة» به کسر همزه، تشدید میم و تاء منونه به معنی نعمت. این قرائت به أشهب العقيلي نسبت داده شده است (اندلسی، المحرر الوجيز فی تفسیر الكتاب العزيز، ۱۴۲۲: ۳/۲۴۹؛ ثعالبی، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸ق: ۳/۳۳۰). زمخشری شعر عدی را شاهی برای این قرائت ذکر کرده است.

ثُمَّ بَعْدَ الْفَلَاحِ وَالْمُلْكِ وَالْإِمَّةِ وَارْتَهُمُ هُنَاكَ الْقُبُورُ

وی در تفسیر آیه می نویسد: «بعد از نعمتی که به آن دو ست زندانی یوسف عطا شد و از قتل و زندان نجات یافت، به یاد یوسف افتاد» (زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۱۴۰۷: ۲/۴۷۵؛ سمین، الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون، ۱۴۱۴: ۱۸۸/۴).

«أمة» به فتح همزه و تخفیف میم و هاء منونه: از «أمة یأمة أمها» به معنی «نسیان» (ابوعبیده، مجاز القرآن، ۱۳۸۱ق: ۱/۳۱۳؛ بیضاوی، أنوار التنزيل و أسرار التأویل، ۱۴۱۸ق: ۳/۱۶۵) «رجل مأموه کاته الذی لیس معه العقل» به کسی گفته می شود که دچار فراموشی شده است. (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰م: ۲/۴۷) این قرائت به ابن عباس، مجاهد، زید بن علی، ضحاک، قتاده و أبورجاء نسبت داده شده است. (اندلسی، المحرر الوجيز فی تفسیر الكتاب العزيز، ۱۴۲۲ق: ۳/۲۴۹؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴ش: ۹/۲۰۱) از نظر زمخشری این قرائت صحیح نیست و از خطای قاری ناشی شده است. (زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۱۴۰۷ق: ۲/۴۷۵).

چنان که ملاحظه شد، در مورد قرائت «أمة» اختلافاتی به ثبت رسیده، اما چند نکته مهم قابل توجه است: اولاً، هیچ کدام از مفسران کلمه «أمد» را به عنوان یک قرائت نیاورده و تنها اختلافی که ذکر شده، اختلاف در اعراب و بر سر قرائت آن است؛ نه اختلاف در نگارش آن به شکل «أمد». اگر این واژه آن گونه که بلمی ادعا می کند/ حیج است، می بایست در قرائتی هر چند شاذ به آن اشاره می شد.



ثانیاً، درست است درباره قرائت این واژه اختلافاتی در تفاسیر به چشم می خورد؛ اما هیچ یک از مفسران دو قرائت اخیر را ترجیح نداده اند و صرفاً در زمره اختلاف قرائات آن هم از سوی برخی از متقدمین ثبت شده است و همه مفسران، قرائت اول را به عنوان قرائت رایج و قابل قبول پذیرفته اند. طبری از جمله مفسرانی است که جیمز بلمی هم از وی نقل قول کرده است، پس از ترجیح قرائت «أمة» به ضم همزه و فتح میم، آن را قرائت قراء در مراکز اصلی حکومت اسلامی می داند (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲ ه. ق: ۱۲/۱۳۵).

بنابراین اختلاف نظر میان مفسران حتی اگر اختلافی حقیقی باشد و نه مانند این مورد که اکثر مفسران یک قرائت را ترجیح داده اند، نمی تواند دلیل قابل قبولی بر تصحیف آن واژه باشد. ثالثاً، درباره معنای واژه «أمة»، هرچند سیاق آیه پذیرای لفظی است که معنای مدت زمان را افاده کند و مفسران هم به همین معنا تصریح کرده اند و خود جیمز بلمی هم این را می پذیرد؛ اما در تفاسیر و کتاب های لغت هیچ شاهی غیر قرآنی مبنی بر استعمال «أمة» به معنای «آمد»، یافت نشده است. شاید به همین جهت است که بلمی چنان اظهار نظری را مطرح کرده و «أمة» را مصحف «آمد» اعلان نموده است؛ اما به صرف عدم وجود شاهی غیر قرآنی نمی شود، حکم به تصحیف واژگان قرآن داد و نمی توان گفت اشتباهی در کتاب مصحف رخ داده است.

دو. بررسی تناسب بافتی «أمة»

بهترین و مهم ترین راه رسیدن به معنای واژگان قرآنی، بررسی معنای واژگان با تکیه بر سیاق خود آیات است که در زیر جهت کشف معنای أمة، به بررسی سیاق و واژگانی که با آن هم نشین شده اند، خواهیم پرداخت. بافت آیه مورد بحث به قرار زیر است:

Π وَ قَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَاءَ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السَّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعُ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رَأْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ O (يوسف / ۴۴-۴۲): و [يوسف] به آن کس از آن دو که گمان می کرد خلاص می شود، گفت: «مرا نزد آقای خود به یاد آور» و [لی] شیطان، یادآوری به آقايش را از یاد او برد؛ در نتیجه، چند سالی در زندان ماند و پادشاه [مصر] گفت: «من [در خواب] دیدم هفت گاو فربه است که هفت [گاو] لاغر آن ها را می خورند، و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر. ای سران قوم، اگر خواب تعبیر می کنید، در باره خواب من، به من نظر دهید. گفتند: «خواب هایی است پریشان و ما به تعبیر خواب های آشفته دانا نیستیم» و آن کس از آن دو [زندانی] که نجات یافته و پس از چندی [یوسف را] به خاطر آورده بود گفت: «مرا به [زندانی] بفرستید تا شما را از تعبیر آن خبر دهم.

در آیات قبل از آیه مورد نظر، «بضع سنین» به کار رفته است. این نشان می‌دهد، مراد از «أمة» در آیه ۴۵ سوره یوسف به معنای همان «بضع سنین» و مدّت زمان است. یعنی قرینه‌ای بر افاده معنای «حین» و مدت زمان برای لفظ «أمة» در سیاق آیه موجود است و در این لفظ اشتباهی رخ نداده است. شاید از این جهت است که علامه طباطبائی تقدیر «و اذکر بعد جماعة من السنین» را برای آن ذکر کرده است (ر.ک: طباطبائی، المیزان، ۱۳۹۰ق: ۱۱/۱۸۸)

سه. بررسی موارد مشابه

یکی از متقن‌ترین ادله در نقد ادعای جیمز بلمی، بررسی موارد مشابه کاربرد لفظ «أمة» است. در بررسی آیات مشابه ملاحظه می‌شود که در دو آیه زیر که سیاق مشابهی دارند، «معدود» و «آخر» همنشین دو واژه «أجل» و «أمة» قرار گرفته و به جای «الی مدة» تعبیر «الی أجل» به کار رفته است:

Π وَ مَا تُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ (هود/۱۰۴)

Π وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ O (هود/۸)

بر اساس روابط جانشینی در آیات مشابه‌السیاق، می‌توانیم «أجل» را جانشین «أمة» قرار داده و بگوییم «أمة» به معنای اجل و مدّت هم کاربرد دارد؛ اگر چه این کاربرد بر اثر گذشت زمان مهجور واقع شده و شاهدی جز آیات قرآن به دست ما نرسیده باشد.

در آیه ذیل نیز ملاحظه می‌شود، برای افاده مدّت زمان، تعبیر «الی أجل» به کار رفته است:

Π وَ أَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نُجِبْ دَعْوَتَكَ وَ نَتَّبِعِ الرُّسُلَ أَوْ لَمْ تَكُونُوا أَفْسَسْتُمْ مِنْ قَبْلِ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ O (ابراهیم/۴۴)؛ «و مردم را از روزی که عذاب بر آنان می‌آید بترسان. پس آنان که ستم کرده‌اند می‌گویند: «پروردگارا، ما را تا چندی مهلت بخش تا دعوت تو را پاسخ گوئیم و از فرستادگان [تو] پیروی کنیم.» [به آنان گفته می‌شود:] «مگر شما پیش از این سوگند نمی‌خوردید که شما را فنانی نیست؟»

چنانچه با بررسی سیاق آیات و روابط جانشینی می‌توانیم بگوییم «کتاب» هم به معنای «أجل» به کار رفته است، هر چند موارد آن مثل «أمة» بسیار اندک است؛ مثل:

Π وَ مَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلُهَا وَ مَا يَسْتَأْخِرُونَ O (حجر/۵-۴)؛ «و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر این که برای آن اجلی معین بود. هیچ امتی از اجل خویش نه پیش می‌افتد و نه پس می‌ماند.»

به هر حال، چنین کاربردی مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ چنان که خود بلمی نیز با تکیه بر همنشین‌ها دریافته است که کلمه «أمة» در چنین آیه‌ای به معنای «أجل» و مدت زمان است. مفسران هم از همین راه به معنای آن پی برده‌اند.



علاوه بر موارد فوق باید به این نکته هم اشاره کرد که شذوذ کاربردی در قرآن بسیار است و نمی توان آن را معیار تشخیص اشتباهات قرآن و تصحیح آن واژگان برشمرد. در خصوص همین لفظ «أمة» مشاهده می شود تعبیر «أمة» مجموعاً ۶۲ بار (۱۵ بار به صورت جمع) در قرآن استعمال شده است. اگرچه کلمه «أمة» در قرآن مشخصاً بر اجتماع بشری مبتنی بر دین اطلاق شده است؛ اما معانی جانبی دیگری همچون موارد زیر را نیز در بردارد که همه کاربردها محدود است، همچون موارد زیر:

الف. «دین، ملت و سنت»، در آیه: Π بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ وَ كَذٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ (زخرف / ۲۳-۲۲)؛ «[نه]، بلکه گفتند: «ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما [هم با] پی گیری از آنان، راه یافتگانیم» و بدین گونه در هیچ شهری پیش از تو هشداردهنده ای نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند: «ما پدران خود را بر آیینی [و راهی] یافته ایم و ما از پی ایشان راهسپیریم». غالب مفسران واژه «أمة» در این آیه را به معنای دین، ملت و آئین دانسته اند» (ر.ک: طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰ق: ۱۸/۹۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۹/۳۶۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۷/۲۰۶)

جیمز بلمی در این زمینه چه خواهد گفت؟ آیا می گوید که این مورد هم تصحیف است؟ تصحیح چه کلمه ای است؟ چه کلمه ای مشابه «أمة» را می تواند پیشنهاد کند که به معنای آیین و سنت باشد؟
ب. «امام و معلّم خیر» در آیه Π إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُنْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (نحل / ۱۲۰) اکثر مفسران با توجه به روایت ابن عباس و آیه Π إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا (بقره/۱۳۴)، واژه «أمة» در این آیه را به معنای «امام» و «معلّم خیر» ذکر کرده اند (ر.ک: سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ۱۴۰۴ق: ۴/۱۳۴؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۴۱۵ق: ۷/۴۸۳؛ مظهری، ۱۴۱۲ق: ۵/۳۸۷؛ ابن عجبیه، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، ۱۴۱۹ق: ۳/۱۷۲؛ شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ۱۴۰۷ق: ۳/۴۵۵؛ شوکانی، فتح القدیر، ۱۴۱۴ق: ۳، ۲۴۱)

منتها با توجه به روابط جانشینی معنای «عبد» را نیز می توان برای این واژه در این آیه در نظر گرفت. جیمز بلمی درباره «أمة» در این آیه چه خواهد گفت؟ و آن را مصحف چه کلمه ای خواهد دانست؟ کدام کلمه است که کتابت آن، مشابه «أمة» و معنای آن عبد باشد؟ اگر بگویند، «أمة» به معنای کنیز است، در پاسخ می گوئیم که آن برای مؤنث استعمال می شود؛ نه مذکر.

ج. در آیاتی مانند آیه زیر «أمة» به معنای «قبیله» و زیرگروه‌های آن است:
وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا (اعراف/۱۶۴): و آن‌گاه که گروهی از ایشان گفتند: «برای چه قومی را که خدا هلاک‌کننده ایشان است، یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد، پند می‌دهید؟»

در این آیات «أمة» را در اصل از ماده «أَمَّ» دانسته‌اند، به معنی هر چیزی است که اشیاء دیگری به آن ضمیمه گردد؛ به همین جهت «أمة»، به جماعتی گفته می‌شود که جنبه وحدتی در میان آن‌ها باشد، خواه وحدت از نظر زمان یا از نظر مکان و یا از نظر هدف و مرام باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش: ۳/ ۳۵)؛ بنابراین چنان‌چه ملاحظه شد در این آیه که «قبیله» با سیاق آیه سازگارتر است، بنابر ادعای بلمی چه واژه‌ای را باید جایگزین کرد که هم از لحاظ معنا و هم از لحاظ ساختار کلمه شبیه واژه «أمة» باشد و وی چه فرایندی برای تبیین وقوع این تصحیف در نظر می‌گیرد؟

شاهد دیگر جیمز بلمی در تأیید ادعایش، تشابه سیاق چهار آیه حاوی لفظ «أمد» با دو آیه مذکور است. با بررسی سیاق این آیات ابطال این ادعا نیز روشن می‌شود. این آیات هرگز سیاق مشابهی با موارد حاوی «أمة» ندارند. برای اینکه ثابت بشود، «أمة» تصحیف شده «أمد» است، اقتضاء دارد، همنشین‌های مشترکی داشته باشند، درحالی‌که چنین نیست.

«أمد» به معنای غایت، نهایت و پایان أجل انسان آمده است. به عقیده راغب اصفهانی، «أمد» مدت زمانی است که اگر مقید نشود، حدّ مجهولی دارد و زمانش نامعین است؛ اما غالباً منحصر می‌شود؛ مانند اینکه گفته شود: «أمد کذا» و تنها برای زمان آینده به کار می‌رود (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۳۷۴ ش: ۱/ ۱۹۹).

تفاوت «أبد» و «أمد» آن است که «أبد» مدت زمانی است که مقید نیست و حدّ محدودی ندارد، درحالی‌که «أمد» مدت زمان محدودی است که گاهی حدّش در کلام مشخص شده و گاهی حدّش مجهول است (ر.ک: طباطبائی، المیزان، ۱۳۹۰ ق: ۱۳/ ۲۴۹).

اصطلاح «أمد» در قرآن چهار بار برای «مدّت زمان» و به‌طور اخص به معنای «حدّ» آن به کار رفته است:

الف. Π يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ (آل عمران/۳۰)؛ «روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده، حاضر شده می‌یابد؛ و آرزو می‌کند: کاش میان او و آن [کارهای بد] فاصله‌ای دور بود و خداوند، شما را از [کیفر] خود می‌ترساند، و [در عین حال] خدا به بندگان [خود] مهربان است.»



مفسران در این آیه معنای «زمان طولانی» و «فاصله مکانی» را برای «أمد» ذکر کرده‌اند (بلاغی، آلاء الرحمن، بی تا: ۱/ ۲۷۴؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۲/ ۲؛ شیخ علوان، الفواتح الإلهیة و المفاتيح الغیبیة: الموضحة للكلم القرآنیة و الحكم الفرقانیة، ۱۹۹۹م: ۱/ ۱۰۴؛ ابن هائم، التبیان فی تفسیر غریب القرآن، ۱۴۲۳ق/ ۱۲۱؛ صدیق حسن خان، فتح البیان فی مقاصد القرآن، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق: ۱/ ۴۵۳).

خداوند در این آیه خبر می‌دهد که هر کسی آرزو می‌کند تا هنگام محاسبه اعمالش در روز داوری بین او و عملش فاصله زمانی یا مکانی زیادی باشد، البته بعضی از مفسران با توجه به معنای لغوی، فاصله زمانی را مناسب‌تر می‌دانند؛ زیرا فاصله زمانی دور و دراز برای ابراز تنفر از فاصله مکانی رساتر است، از این جهت که در فاصله مکانی احتمال حضور نزد او وجود دارد، ولی در فاصله زمانی به هیچ وجه امکان پذیر نیست (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ش: ۲/ ۵۰۵؛ طباطبائی، المیزان، ۱۳۹۰ق: ۳/ ۱۵۶).

ب. ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا (کهف/ ۱۲)؛ «آن‌گاه آنان را بیدار کردیم، تا بدانیم کدام‌یک از آن دو دسته، مدت درنگشان را بهتر حساب کرده‌اند.»
در این آیه خداوند خبر می‌دهد که اصحاب کهف پس از بیدار شدن در باره مقدار خواب خود اختلاف خواهند کرد، بعضی آن را یک روز، و بعضی یک نیم‌روز می‌دانستند، در حالی که سالیان دراز خوابیده بودند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ش: ۱۲/ ۳۵۹)؛ بنابراین آنها «مدّت زمان» درنگشان در غار را محاسبه کردند.

ج. قُلْ إِنْ أَدْرَىٰ أَقْرَبُ مَا تُوْعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (جن/ ۲۵)؛ بگو: «نمی‌دانم آنچه را که وعده داده شده‌اید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی نهاده است.

«أمد» در این آیه نیز به معنای مدت زمان محدود هر چند طولانی است. در آیات قرآن مشاهده می‌کنیم که هر وقت سؤال از زمان قیامت می‌شد، پیامبر α اظهار بی‌اطلاعی می‌کرد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ش: ۲۵/ ۱۳۹). در این آیه وی اعتراف می‌کند که نمی‌داند آیا خداوند برای رسیدن آخرت «مدّت زمان» طولانی قرار داده است یا نه.

د. قُلْ لَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (حدید/ ۱۶)؛ «و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید، و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند.»

«الأمم» در این آیه به معنای زمان خاص است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴ش: ۲۸۴/۱۹)؛ مؤمنان بر حذر داشته می شوند که مانند کسانی نباشند که پیش از آن به آن ها وحی رسیده بود «و انتظار مدت زمان» بر آنان به درازا کشید. طولانی بودن زمان که منشأ قساوت قلب آنها شده است، ممکن است مربوط به فاصله زمانی بین آن ها و پیامبران شان یا طول عمر و دارزی آرزوهایشان باشد (ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ش: ۳۴۱/۲۳).

آیات فوق را با آیات ذیل که جیمز بلمی مطرح کرده و حاوی لفظ أمّه هستند مقایسه می کنیم:

الف. Π وَ قَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَ اذْكُرْ بَعْدَ اُمَّةٍ اَنَا اَنْتَبِئُكُمْ بِتَاوِيلِهِ فَارْسَلُوهُ (یوسف/ ۴۵)؛ «و یکی از آن دو که نجات یافته بود- و بعد از مدتی به خاطرش آمد- گفت: «من تأویل آن را به شما خبر می دهم مرا (به سراغ آن جوان زندانی) بفرستید!»

ب. Π وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى اُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ اَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهٖ يَسْتَهْزِءُونَ (هود/ ۸)؛ «و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آنها به تأخیر اندازیم، (از روی استهزا می گویند: «چه چیز مانع آن شده است؟! آگاه باشید، آن روز که (عذاب) به سراغشان آید، از آنها بازگردانده نخواهد شد (و هیچ قدرتی مانع آن نخواهد بود) و آنچه را مسخره می کردند، دامانشان را می گیرد!»

چنان که ملاحظه می شود، هم نشین های مشترکی میان آیات حاوی لفظ «أمم» با آیات حاوی لفظ «أمة» وجود ندارد؛ بنابراین سیاق مشترکی میان این دو دسته آیات موجود نیست. این نشان می دهد که هیچ گونه تصحیفی رخ نداده است؛ بلکه لفظ «أمة» در مواردی هر چند شاذ به معنای «أجل» به کار می رفته است که این در استعمالات قرآن چنان چه در بالا مواردی از آن ذکر شد، بی سابقه نیست.



نتیجه

مستند جیمز بلمی در اشتباه بودن واژه أمة در آیه ۴۵ سوره یوسف، از یکسو، اختلاف نظر مفسران در مورد این واژه در این آیه و در آیه ۸/هود و از سوی دیگر، اتفاق نظر مفسران در بیان معنای مدت زمان یا حین برای این لفظ است. وی ادعا دارد آمد جایگزین مناسب‌تری برای آن است.

بررسی قرائت‌های مختلف از واژه أمة و معنای هر یک از این قرائت‌ها در منابع لغوی و تفسیری، نشان داد علی‌رغم وجود اختلاف قرائت در منابع تفسیری، همه مفسران قرائت «أمة» به ضم همزه را قرائت رایج و قابل قبول خوانده‌اند و کسی آمد را یک قرائت به‌شمار نیاورده است و تنها اختلافی که ذکر شده، اختلاف در اعراب و بر سر قرائت آن است؛ نه اختلاف در نگارش آن به شکل آمد. اگر این واژه آن‌گونه که بلمی ادعا می‌کند، صحیح باشد، بایست در قرائتی هر چند شاذ به آن اشاره می‌شد.

سیاق آیه ۴۵ سوره یوسف، و عبارت بضع سنین، معنای مدت زمان را افاده می‌کند و بیان لفظ أمة در آیه همراه با قرینه‌ای است که معنای آن را روشن می‌کند و ادعای تصحیف این واژه و وقوع خطا در آن، امری بی‌وجه است.

آنچه بلمی از آن غفلت کرده و او را به این اندیشه کشانده است که در قرآن تصحیف رخ داده، ذووجه بودن شماری از واژگان نظیر «أمة» است. او چنان اندیشیده است که هر واژه دارای معنای واحدی است و لذا وقتی که با واژگان ذووجه مواجه می‌شود، تلاش می‌کند، برای آن واژگان یک معنای مشخص تعیین کند و سایر معانی آن واژگان را که در سیاقات مختلفی به کار رفته‌اند، تصحیف به‌شمار آورد.

منابع

١. قرآن کریم، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ١٣٨٤ ش.
٢. ابن جزى، محمد بن احمد، التسهيل لعلوم التنزيل، شركة دار الأرقم بن أبى الأرقم، بيروت: ١٤١٦ ق.
٣. ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، تذكرة الأريب فى تفسير الغريب (غريب القرآن الكريم)، دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون، بيروت: ١٤٢٥ ق.
٤. ابن عجيبة، احمد، البحر المديد فى تفسير القرآن المجيد، حسن عباس زكى، قاهره: ١٤١٩ ق.
٥. ابن قتيبة، عبدالله بن مسلم، تفسير غريب القرآن، دار و مكتبة الهلال، بيروت: ١٤١١ ق.
٦. ابن ملقن، عمر بن على، تفسير غريب القرآن (ابن ملقن)، عالم الكتب، بيروت: ١٤٠٨ ق.
٧. ابن هانم، احمد بن محمد، التبيان فى تفسير غريب القرآن، دار الغرب الإسلامى، بيروت: ١٤٢٣ ق.
٨. ابوالسعود، محمد بن محمد، تفسير ابى السعود (ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم)، دار إحياء التراث العربى، بيروت: ١٩٨٣ م.
٩. ابوحيان، محمد بن يوسف، تفسير النهر الماد من البحر المحيط، دار الجنان، بيروت: ١٤٠٧ ق.
١٠. ابو عبيده، معمر بن مثنى، مجاز القرآن، مكتبة الخانجي، قاهره: ١٣٨١ ق.
١١. اندلسى، ابن عطيه عبدالحق بن غالب، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، دارالكتب العلمية، بيروت: ١٤٢٢ ق.
١٢. آلوسى، محمود بن عبدالله، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثانى، دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون، بيروت: ١٤١٥ ق.
١٣. بحراني، هاشم بن سليمان، البرهان فى تفسير القرآن، مؤسسة البعثة، قم: ١٤١٥ ق.
١٤. بلاغى، محمد جواد، آلاء الرحمن فى تفسير القرآن، وجدانى، قم: بى تا.
١٥. بياضوى، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل و أسرار التأويل (تفسير البياضوى)، دار إحياء التراث العربى، بيروت: ١٤١٨ ق.
١٦. ثعالبى، عبدالرحمن بن محمد، الجواهر الحسان فى تفسير القرآن، دار إحياء التراث العربى، بيروت: ١٤١٨ ق.
١٧. حسنى واعظ، محمود بن محمد، دقائق التأويل و حقائق التنزيل، مركز پژوهشى ميراث مكتوب، تهران: ١٣٨١ ش.



۱۸. خزرچی، احمد بن عبدالصمد، تفسیر الخزرچی المسمى نفس الصباح فی غریب القرآن و ناسخه و منسوخه، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: ۱۴۲۹ق.
۱۹. خطیب شربینی، محمد بن احمد، تفسیر الخطیب الشربینی المسمى السراج المنیر، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: ۱۴۲۵ق.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، انتشارات مرتضوی، تهران: ۱۳۷۴ ش.
۲۱. رسعی، عبدالرزاق بن رزق الله، رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز، مكتبة الأسدی، مکه مكرمه: ۱۴۲۹ق.
۲۲. زمخشري، محمود بن عمر، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، دار الكتاب العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۲۳. سمن، احمد بن یوسف، الدر المصون فی علوم الكتاب المكنون، دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۱۴ق.
۲۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم: ۱۴۰۴ق.
۲۵. شیر، عبدالله، الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، شركة مكتبة الالفین، کویت: ۱۴۰۷ق.
۲۶. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، دار ابن کثیر / دارالکلم الطیب، دمشق / بیروت: ۱۴۱۴ق.
۲۷. شیبانی، محمد بن حسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، نشر الهادی، قم: ۱۴۱۳ق.
۲۸. شیخ علوان، نعمه الله بن محمود، الفواتح الإلهیة و المفاتيح الغیبیة: الموضحة للكلم القرآنیة و الحكم الفرقانیة، دار رکابی للنشر، قاهره: ۱۹۹۹م.
۲۹. شیخ زاده، محمد بن مصطفی، حاشیه تفسیر القاضی البیضاوی، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: ۱۴۱۹ق.
۳۰. صاوی، احمد بن محمد، حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: چاپ: ۴، ۱۴۲۷ق.
۳۱. صدیق حسن خان، محمد صدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: ۱۴۲۰ق.
۳۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات بیروت: چاپ: ۲، ۱۳۹۰ق.
۳۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت: ۱۴۱۲ق.

۳۴. فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)، دار إحياء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰ با.ق.
۳۵. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره: چاپ دوم، ۱۹۸۰ م.
۳۶. قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، قم: ۱۳۷۳.
۳۷. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ناصر خسرو، تهران: ۱۳۶۴ ش.
۳۸. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران: ۱۳۶۸ ش.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکت الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۱ ش.
۴۰. نظام الاعرج، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
۴۱. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، إيجاز البيان عن معانی القرآن، دار الغرب الإسلامی، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
۴۲. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، وضح البرهان فی مشکلات القرآن، دار القلم، بیروت: ۱۴۱۰ ق.

۴۳. Bellamy James. "Some proposed emendations to the text of the Koran". Journal of American Oriental Society, ۱۱۳, iv, ۱۹۹۳: ۵۶۲-۵۷۳.

۴۴. _____, "Textual Criticism of the Quran". The Encyclopaedia of the Quran, leiden: Brill, ۲۰۰۶: ۲۳۸-۲۵۲.



Resources:

۱. *Translation of the Quran*, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ۲۰۰۵.
۲. Abu al-Saud, Mohammad bin Mohammad, *Tafsir Abi al-Saud (Irshad al-Aql al-Salim al-Masaya al-Quran al-Karim)*, Dar Ihiya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۹۸۳.
۳. Abu Hayyan, Mohammad bin Yousuf, *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir*, Dar al-Fakr, Beirut: ۱۴۲۰ AH.
۴. Abu Hayyan, Mohammad bin Yusuf, *Tafsir al-Nahr al-Mad man al-Bahr al-Muhit*, Dar al-Jinan, Beirut: ۱۴۰۷ AH.
۵. Abu Ubaidah, Muammar bin Muthani, *Ma'ajiz al-Quran*, Al-Khanji Library, Cairo: ۱۳۸۱ AH.
۶. Akbari, Abdullah bin Hossein, *Al-Tibyan fi I'rab al-Quran*, Bayt al-Afkar al-Duwaliyyah, Riyadh, ۱۴۱۹ AH.
۷. Alousi, Mahmoud bin Abdullah, *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azeem and Al-Saba al-Mathani*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Mohammad Ali Beizun's Publications, Beirut: ۱۴۱۵ AH.
۸. Andulsi, Ibn Atiyyah Abdul Haq bin Ghalib, *Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*, Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, Beirut: ۱۴۲۲ AH.
۹. Bahrani, Hashim bin Suleiman, *al-Burhan fi Tafsir al-Quran*, Al-Be'thah Foundation, Qom: ۱۴۱۵ AH.
۱۰. Balaghi, Mohammad Javad, *Ala'ur Rahman fi Tafsir al-Quran*, Wijdani, Qom: n.d.
۱۱. Baydawi, Abdullah bin Omar, *Anwar al-Tanzi and Asrar al-Ta'wil (Tafsir al-Baydawi)*, Dar Ihiya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۱۸ AH.
۱۲. Bellamy James. "Some Proposed Emendations to the Text of the Koran". Journal of American Oriental Society, ۱۱۳, iv, ۱۹۹۳: ۵۶۲-۵۷۳.
۱۳. Bellamy James. "Textual Criticism of the Quran". The Encyclopaedia of the Quran, Leiden: Brill, ۲۰۰۶: ۲۳۸-۲۵۲.
۱۴. Fakhr Razi, Mohammad Ibn Umar, *Al-Tafsir al-Kabeer (Mufatih al-Ghayb)*, Dar Ihiya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۲۰ AH.
۱۵. Farra, Yahya bin Ziyad, *Ma'ani al-Quran*, Al-Haia'h al-Misriyyah al-A'mmah li al-Katab, Cairo: Second Edition, ۱۹۸۰.
۱۶. Fayz Kashani, Mohammad Bin Shah Mortaza, *Al-Asfi fi Tafsir al-Quran*, Markaz al-Nashr Affiliated to Maktab al-Islam al-Islami, Qom: ۱۴۱۸ AH.
۱۷. Hassani Vaez, Mahmoud bin Mohammad, *Daqiq al-Ta'wil and Haqiq al-Tanzil*, Mirath Maktoob Research Center, Tehran: ۲۰۰۲.
۱۸. Ibn Ajibah, Ahmad, *Al-Bahr al-Madid fi Tafsir al-Quran al-Majid*, Hassan Abbas Zaki, Cairo: ۱۴۱۹ AH.
۱۹. Ibn Ashur, Mohammad ibn Tahir, *Tafsir al-Tahrir and al-Tanweer known as Ibn Ashur's Tafsir*, Al-Tarikh al-Arabi Foundation, Beirut: ۱۴۲۰ A.H.
۲۰. Ibn Haim, Ahmad bin Mohammad, *Al-Tibyan fi Tafsir Gharib al-Quran*, Dar al-Gharb al-Islami, Beirut: ۱۴۲۳ AH.
۲۱. Ibn Jawzi, Abd al-Rahman bin Ali, *Tazkirah al-Arayb fi Tafsir al-Gharayb (Al-Gharib al-Quran al-Karim)*, Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, Mohammad Ali Beizun's Publications, Beirut: ۱۴۲۵ AH.
۲۲. Ibn Jazi, Mohammad bin Ahmad, *Al-Tasheel for Uloom Al-Tanzil (Quranic Science; Made Easy)*, Dar al-Arqam bin Abi al-Arqam, Beirut: ۱۴۱۶ AH.
۲۳. Ibn Mulaqqan, Umar bin Ali, *Tafsir Gharib al-Quran (Ibn Mulaqqan)*, Alam al-Kutub, Beirut: ۱۴۰۸ AH.
۲۴. Ibn Qutaybah, Abdullah bin Muslim, *Tafsir Gharib al-Quran*, Al-Hilal Publications and Library, Beirut: ۱۴۱۱ AH.

٢٥. Khatib al-Sharbini, Mohammad bin Ahmad, *Tafsir al-Khatib al-Sharbini Known as al-Siraj al-Munir*, Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, Mohammad Ali Beyzoon's Publications, Beirut: ١٤٢٥ AH.
٢٦. Khazraji, Ahmad bin Abdul Samad, *Tafsir al-Khazarji Known as Nafs al-Sabah fi Gharib al-Quran wa Nasikhihi wa Mansukhihi*, Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, Mohammad Ali Beyzoon's Publications, Beirut: ١٤٢٩ AH.
٢٧. Neishabouri, Mahmoud bin Abul Hasan, *Ijaz al-Bayan an Ma'ani al-Quran*, Dar al-Gharb al-Islami, Beirut: ١٤١٥ AH.
٢٨. Neishaburi, Mahmoud bin Abulhasan, *Wadh al-Burhan fi Mushkilat al-Quran*, Dar al-Qalam, Beirut: ١٤١٠ AH.
٢٩. Nizam al-A'raj, Hasan bin Mohammad, *Tafsir Gharib al-Quran wa Raghaib al-Furqan*, Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, Beirut, ١٤١٦ AH.
٣٠. Qomi Mashhadi, Mohammad bin Mohammad Reza, *Tafsir Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Gharib*, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization, Tehran: ١٩٨٧.
٣١. Qurtubi, Mohammad bin Ahmad, *Al-Jame' li Ahkam al-Quran*, Naser Khosrow, Tehran: ١٩٨٥.
٣٢. Rasa'ni, Abd al-Razzaq bin Rizqullah, *The Secrets of the Treasures in Tafsir al-Kitab al-Aziz*, Al-Asadi Library, Mecca: ١٤٢٩ AH.
٣٣. Samin, Ahmad bin Yousuf, *Al-Durr al-Masoun fi Uloum al-Kitab al-Maknoun*, Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, Beirut: ١٤١٤ AH.
٣٤. Sawi, Ahmad bin Mohammad, *Notes of al-Sawi on Tafsir al-Jalalain*, Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, Mohammad Ali Beyzoon's Publications, Beirut: ٤th Edition, ١٤٢٧ A.H.
٣٥. Shawkani, Mohammad, *Fath al-Qadir*, Dar Ibn Kathir, Damascus: ١٤١٤ AH.
٣٦. Sheikh Alwan, Namaullah bin Mahmoud, *Al-Fawath al-Ilahiyyah wa Al-Mafatih al-Ghaibiyah: Al-Muwaddazah li al-Kalim al-Quraniyyah wa all-Hikam al-Furqaniyyah*, Dar Rakabi Publishing House, Cairo, ١٩٩٩.
٣٧. Sheikhzadeh, Mohammad bin Mustafa, *The Margin of Tafsir al-Qadhi al-Bayzawi*, Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, Mohammad Ali Beyzoon Publications, Beirut: ١٤١٩ AH.
٣٨. Shibani, Mohammad bin Hassan, *Nahj al-Bayan an Kashf Ma'ani al-Quran*, Al-Hadi Publications, Qom, ١٤١٣ AH.
٣٩. Shubbar, Abdullah, *Al-Jawhir al-Thameen fi Tafsir al-Kitab al-Mubin*, Sharakah al-Alafain Library, Kuwait: ١٤٠٧ AH.
٤٠. Siddique Hassan Khan, Mohammad Siddique, *Fath al-Bayan fi al-Maqasid al-Quran*, Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, Mohammad Ali Beyzoon's Publications, Beirut: ١٤٢٠ AH.
٤١. Suyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr, *Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir al-Mathur*, General Library of Hazrat Grand Ayatollah Marashi Najafi, Qom: ١٤٠٤ AH.
٤٢. Tabari, Mohammad bin Jarir, *Jame al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Dar al-Marifah, Beirut: ١٤١٢ AH.
٤٣. Tabatabai, Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Al-A'jami Publishing House, Beirut: Edition: ٢nd Edition, ٢٠١٣.
٤٤. Tha'alabi, Abd al-Rahman bin Mohammad, *Known as al-Jawahir al-Hassan fi Tafsir al-Quran*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ١٤١٨ AH.
٤٥. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, *Al-Kashshaf an Haqaiq al-Tanzil wa Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil*, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: ٣rd Edition, ١٤٠٧ AH.